

## ازدواج مسیحی

توسط لسللی م. گرانت ( Leslie M. Grant )

"از اینجاست که مرد پدر و مادر را رها کرده ، با زوجه خویش خواهد پیوست و آندو یکتن خواهند بود " ( افسسیان ۵ : ۳۱ )

### با احتیاط عمل نما

اراده خداوند را جستجو نما

تائید خداوند در ازدواج

هدف واقعی جشن ازدواج

در شادی عروسی سهیم شدن

ازدواج به پایان می رسد

ازدواج به چیزهای بهتری اشاره می کند

هر رابطه طبیعی که توسط خداوند برقرار می گردد تصویری از رابطه ای عمیق و روحانی است. و ازدواج ، یکی از اولین رابطه های بشر است ، که قبل از آنکه گناه وارد جهان شود شناخته شد ، - که تدارکی از تائید برای برکت حقیقی ، آرامش ، همراهی و خوشی مخلوق وابسته است - و مطمئناً برای انتقال چیزی که دارای اهمیت بسیاری بر ما است و نزدیک به قلب خدای ما است در نظر گرفته می شود. بنابراین اگر مجبور باشیم تا درک شایسته ای از ازدواجی مبارک و نگرشی که شایسته این یکی شدن باشد را داشته باشیم ، به معنای کلی ، یک رابطه روحانی بسیار عمیق داشته باشیم ، باید دستورالعمل های بسیار مفیدی را به انجام رسانیم.

لطفاً افسسیان ۵ : ۲۲ - ۲۳ را بدقت مورد بررسی قرار دهید. هنگامیکه افکار پولس رسول، به شکلی ناگهانی به سوی اتحاد مبارک مسیح و کلیسایش معطوف می گردد. آشکارا نصیحتهای خود را نیز به همسران و شوهران انجام می دهد ، که در واقع شراکت گروهی از مقدسان نجات یافته می باشد که به وسیله روح خداوند نه تنها برای یگدیگر بلکه برای مسیح در اتحاد ابدی ساکن گشته اند. این ازدواجی است که مرگ نمی تواند به آن پایان دهد ، زیرا که بر اساس مرگ خود عیسی قرار دارد و او تا به ابد زنده است.

آیه ۲۵ چنین می گوید: " ای شوهران زنان خود را محبت نمائید ، چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد." در اینجا قاعده ای بسیار مهم و اساسی وجود دارد که شامل ازدواجی حقیقی ، پاک و محبتی متواضع است - محبتی که همه چیز را می بخشد و چیزی را تقاضا نمی نماید. و این چقدر بیشتر و مهمتر از احساس و عواطف عمیقی است که گاهی اوقات در رابطه با عشق ما را دچار اشتباه می نماید. بخاطر عشق ، خود را با خوشی در مقابل او که دوستش داریم وقف می نماییم. و این ما را در ابتدا به صحبتی کوتاه در رابطه با برخی ضرورتها هدایت می نماید.

### با احتیاط عمل نما

اگر در هر دو مرد و زنی که به فکر ازدواج هستند هیچ میل و رغبتی از وقف خود در عشق و مراقبت و تلاش در جهت برکت دیگری وجود نداشته باشد ، می توانند مطمئن شوند که اینچنین ازدواجی مورد تایید خداوند نیست. اجازه ندهید تا بیش از این ادامه پیدا کند.

همانگونه که در خداوندمان عیسی مسیح می بینیم ، این عشق ، شامل وفاداری عمیق و فداکاری ابدی به معشوق می باشد. اگر ازدواج را مورد بررسی قرار دهیم ، اجازه ندهید تا ایماندار خود را تماماً در چنین شرایطی قرار دهد بلکه اطمینان حاصل نمایید که اینچنین احساسی ( خود را وقف عشق نمودن ) در طرف مقابل نیز وجود دارد.

اگر شخص ایماندار خواهان ازدواج با فردی بی ایمان باشد ، اطمینان از این امر امکان پذیر نیست ؛ زیرا که اگر شخصی به مسیح ایمان ندارد ، پس چگونه می توان به خود او اعتماد داشت؟ این هرگز هدایت خداوند نیست ، زیرا که کلام خدا به وضوح می گوید: " زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید" (دوم قرنتیان ۶: ۱۴).

ممکن است که ما برخی اوقات در مورد عدم داشتن رابطه ای بسیار آزاد با جنس مخالف به ایمانداران جوان هشدار دهیم. آشناییهای زیادی و بی مورد ممکن است موجب رفتاری بی ملاحظه و دیدگاههای متفاوتی از مسائل گردند ، بنابراین قلب تا حدی فریفته می شود که ازدواج تبدیل به مسئله ای دردناک می شود. اگرچه این مسائل گاهاً منفی هستند ، اما مواردی بسیار مهم برای بررسی بشمار می آیند. و ما بدنبال مهمترین ضرورت ازدواج می باشیم.

### اراده خداوند را جستجو نما

فرزند خداوند، برای حفاظت و برکت خود ، و برای رهایی از نگرانی و برکت دیگران ، و بالاتر از همه برای جلال خداوند باید تنها خواست و اراده خداوند و راهنمایی دست او را در این رابطه که

تمامی آینده او را بطور خوب یا بد تحت تاثیر قرار می دهد، جستجو نماید. اگر دو نفر برای زندگی با یکدیگر به عنوان مرد و زن توافق حاصل نمایند، با هم بودن آنها رابطه ای رسمی است، و خداوند آنها را بعنوان "یک تن" به هم پیوند می دهد، در واقع عملی که آنها خود را در مسیری قرار می دهند تا وفاداری راسخ خود را به دیگران نشان دهند. جهان بدون خدا امروزه در رابطه با ما وقیحانه این الزامات حیاتی را نادیده می گیرد: خانواده های از هم پاشیده بیشمار گواه بر این قلبهای خائن انسانها هستند؛ و گناهان متعدد بزرگ هزینه غم و بدبختی می باشند.

علاوه بر این، برای مسیحیان بهتر است که ازدواج نکنند تا اینکه ازدواجی بدون هدایت الهی داشته باشند. در واقع، اگر بیان ازدواج نکردن اراده ای از جانب خداوند برای زندگی خوانندگان باشد، آیا عاقلانه نیست تا مطیع آن باشیم؟ "پس هم کسی که به نکاح دهد، نیکو می کند و کسی که به نکاح ندهد، نیکوتر می نماید." (اول قرنتیان ۷: ۳۸). البته این مورد در دو حالت در نظر گرفته می شود که در هر دو حالت اراده خداوند، می تواند اجرا شود. یکی هدفش این است تا بخاطر خداوند ازدواج نکند، تا بتواند خداوند را بدون مشغله فکری خدمت نماید. توجه به این امر برای ایماندار بسیار خوب است، و به آرامی در مقابل آنچه که اراده خداوند است تسلیم می گردد. زیرا، زمانیکه بعدها وقتی که اراده خداوند بر نتایج اندوهناک هوای نفس و اشتباهات چیره می گردد، مشاهده چنین تاییدی در عمل بسیار زیبا است. با اینحال حتی برای فرض کردن عدم تحقق چنین حالتی (یعنی ناطاعتی از فرمان خداوند) باید بسیار نادان بود که در آن پیش رفت زیرا که نتایج آن منتهی به تجربیاتی تلخ می شوند.

در هر حال، آیا این امر برای ایماندار امکان دارد تا اطمینانی کامل از هدایت خداوند در این موضوع را داشته باشد؟ برآستی، امکان پذیر است، اما برای فرزند خداوند این تنها راه می باشد. اگر قلب ایماندار برآستی بر خداوند تکیه داشته باشد، و بر ذات گناه آلود خود اعتماد نماید و مطیع کلام گرانهای او گردد، هرگز هدایت آشکار او را از دست نخواهد داد. "مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد" (مزمور ۲۵: ۹).

آیا ما باید بر آنچه که برای خود انتخاب می نمایم، بر خود اطمینان کنیم؟ آیا ما باید توجه داشته باشیم که شایسته شریک مناسبی هستیم؟ آیا تا قبل از رسیدن سن معین باید نگران شخص مناسب باشیم؟ آیا ما باید قرار ازدواج را با دریافت وعده های ازدواج از دیگری انجام دهیم؟ هیچکدام از اینها ایمان به خداوند و هدایت او را در زندگی نشان نمی دهند و مطمئناً ما را به سویی می کشند که سرانجام آن پشیمانی است.

## تایید خداوند در ازدواج

نمی توان چندان تاکید نمود که این رابطه ای از تایید است. هنگامیکه خداوند زن را آفرید ، هیچ فکری از ازدواج در ذهن آدم وجود نداشت ، " و وی را به نزد آدم آورد " ( پیدایش ۲ : ۲۲ ). این تماماً به وسیله نیکوی خداوند فراهم گشته بود. هر دو، زن و مرد در شرایطی قرار داشتند که بجز تشکر از خداوند در رابطه با این اتحاد و عمل الهی وی، کار دیگری نمی توانستند انجام دهند. آدم نمی توانست زنی را که خود خواهان آن است را انتخاب نماید ، و حتی حوا نیز قادر به انتخاب همسر خود نبود. خداوند این ازدواج را ترتیب داده بود. چقدر زیبا است که تنها تایید خداوند موجب و عروسی ایمانداران می شود.

آیا این الگوی تمامی ازدواجهای حقیقی نیست؟ آیا خداوند در حکمت و نگرش خداوندی اش ، در زمان و مکان خود ، دو حیات جوان ( و شاید پیر تر ) را به هم پیوند می دهد و اگر ایمانی حقیقی بر او وجود داشته باشد ، اطمینانی آشکار را از اراده خود به آنها خواهد داد که آنها با اطمینان از این امر " در خداوند " به هم پیوندند ؟ ممکن است ایماندار جوان با چیزی کمتر از این موافقت نماید که در نهایت عواقب غم انگیزی را مشاهده خواهد نمود.

یکی از زیباترین نمونه های مسیح و کلیسا در داستان اسحاق و رفقه وجود دارد ( پیدایش باب ۲۴ ). اسحاق به آرامی در منزل منتظر بود درحالیکه ابراهیم خادم خود را فرستاده و وی توسط خداوند هدایت گشت ، تا عروسی را برای اسحاق پیدا کند. همچنین چه تصویر زیبایی از کار روح القدس وجود دارد که توسط پدر به جهان فرستاده شد تا عروسی را برای خداوند عیسی جستجو نماید.

هیچ تشریفات قانونی وجود ندارد، هیچ وعده ای داده نمی شود : هیچ پولی پرداخت نمی شود : ولی هدایایی داده می شوند. از رفقه به سادگی پرسیدند ، " با این مرد خواهی رفت؟ " و وی در جوابی مصمم گفت : " می روم " حال دیگر اسحاق ناامید نبود. " او را به زنی خود گرفته ، دل در او بست. " ( پیدایش ۲۴ : ۶۷ ). آیا تابحال در جایی خوانده ایم که او مرتکب اشتباه بزرگی شد که همسر اختیار نمود ، همانگونه که بسیاری از ایمانداران در عهد قدیم انجام می دادند. او اجازه داد تا خداوند انتخاب نماید و به این راضی بود، اگر ما اصرار بر انتخاب خود داشته باشیم ، در پایان ناامید و ناراضی خواهیم بود.

در چنین رابطه ای از تایید و رضایت ، عهد و پیمانها کاملاً بیگانه می شوند و مغایر با سیرت واقعی خود می باشند. خداوند از آدم و حوا همانگونه که در داستان اسحاق و رفقه نیز می بینیم؛ هیچ عهدی را از

آنان سوال نمود ، اما بیشتر از رابطه با اعتماد آن دو نسبت به یکدیگر اطمینان حاصل نمود. اگر خداوند خود یک زوج را به هم برساند ، و آنها این اطمینان راسخ را از اراده خداوند داشته باشند آیا می توانند بدون هیچ عهد و پیمان اضافی به هم اعتماد نمایند؟ قانوناً ( که چیزی مغایر با فیض و تایید است ) عهدها معرفی می شوند ، اما مرجعی برای ازدواج بشمار نمی آیند. تحت اراده خداوند این قبیل تعهد های قانونی دیگر جایی ندارند : زمانیکه صحبت از رابطه ای پاک و تاییدی آزاد میان مسیح و عروسی می شود ، جای چندانی برای تعهد ها باقی نمی ماند ! متأسفانه در مسیحیت رسمی ، که ایماندار تحت تاثیر قرار می گیرد ، اینچنین تعهد ها ، با آهنگ مذهبی خوشایند برگزار می گردند و توسط خادم مذهبی نیز به اجرا در می آیند ، و از محبوبیت بسیاری برخوردار می شوند. بجای اینکه زوج ها به سادگی و آرامی در مورد تایید الهی شکر گزاری نمایند ، عامل بیهوده اطمینان جسمانی توسط تعهد های بشری ارائه می شود. و لذت سادگی تایید الهی را که باید بیش از هر چیز دیگری در این پیوند مورد توجه قرار گیرد را از بین می برد. آیا این موضوع عهد ناشایسته یعقوب را پس از وعده ای در مورد برکت عظیمش از جانب خداوند را به ما یادآور نمی شود ؟ ( پیدایش ۲۸ : ۱۳ - ۲۲ ).

### هدف واقعی جشن ازدواج

در هر حال در اینجا نیاز است تا مواردی را که متمایز ولی بسیار گیج کننده هستند را از هم جدا نماییم. در ازدواج آدم و یا اسحاق ما هرگز مراسم رسمی ازدواج را مشاهده نمی نماییم. و یا در هیچ کجای کتاب مقدس نیز نمی توانیم مشاهده نماییم که خداوند جشن و مراسم رسمی ازدواج را لازم دانسته و یا آنرا توصیه نموده باشد. بلکه بیشتر او است که دو نفر را به هم پیوند می دهد ولی این کار را به وسیله جشن و یا مراسم رسمی انجام نمی دهد.

با این وجود ، تمدن موجب این امر می گردد ، و انسان غیر قابل اعتماد است ، زمانیکه ملتها بر روی زمین شکل گرفتند ، موجب این نیاز ضروری گشتند که برای داشتن حکومتی پایدار، باید شناخت و رسمیت عمومی نسبت به ازدواج هر زوجی وجود داشته باشد. مطمئناً ایماندار باید تمام ضرورت های حکومت را بداند " نسبت به قوانین حکومت مطیع باشد " از زمانیکه حکومت نیاز به مراسم رسمی ازدواج را داشت ، مسیحیان با خوشی بخاطر خداوند از این فرمان بشر استقبال نمودند. اما برای داشتن چیزی فراتر از این ، در مراسمی که شامل موارد مذهبی است ، مانند عهدی در مقابل خداوند ، که مطابق با کتاب مقدس نیست و قواعد پیروی از افراد انسانی که گویی آنها به جای خداوند دو حیات را به هم پیوند می دهد؛ ایجاد تناقض می کند.

بنابراین ، مراسم ، چون مطابق با میل خداوند نیست ، پس فقط حکومت می تواند آنرا مورد نظارت قرار دهد " از جانب دولت " و باید توسط کسیکه حکومت به او اختیار داده است انجام شود. اجازه دهید تا واضح تر بیان نمایم ، این امر مستقیماً انتسابی از جانب خداوند نیست بلکه از جانب حکومت می باشد.

چقدر زیبا است که ایماندار دارای مامور رسمی حکومتی باشد تا این جشن را برگزار نماید و بنابراین خواسته های مشروع دولت را تشخیص دهد. گاهی اوقات مسیحیان اصرار دارند که تنها فردی نجات یافته این مراسم را برای آنها انجام دهد ؛ اما این عقیده از ادراک کم ایمانداران نشأت می گیرد که این مراسم تنها یک ضرورت ساده حکومت است. هیچ دلیل دیگری برای اصرار داشتن در اینکه ماموری نجات یافته این کار را انجام دهد وجود ندارد، که حتماً باید فردی نجات یافته قرار ازدواج را صادر نماید.

حداقل نماینده دولت می تواند اظهارات خود را مستقیماً از جانب ایالت و یا استان مربوطه ارائه دهد. از طرف دیگر ، کشیش می تواند یک زوج را " از جانب کلیسا " زن و شوهر بنامد که این امر کاملاً اشتباه است زیرا که نه کلیسای واقعی خداوند و نه کلیساهای بشری هیچگونه اختیاری در هیچ یک از امور مربوط به ازدواج ندارند. و هنوز نیز عباراتی بسیار مهم در هنگام ازدواج بکار می روند : " من شما را در نام پدر ، پسر و روح القدس ، زن و شوهر اعلام می نمایم. " تابحال هیچ انسانی از جانب خداوند اجازه بیان چنین جملاتی را نداشته است. هنگامیکه خداوند پیوند می دهد ، اینکار را بدون کمک هیچ انسانی انجام می دهد. و این امر در واقع ادعایی است بر نمایندگی خداوند در پیوند دادن زوج در ازدواج که بمانند اشتباه خادمان فرومایه پادشاهی است که بدون کوچکترین اجازه ای بنام پادشاه، بطور رسمی صحبت نمایند و در کاری تاثیر گزار باشند که فقط خود پادشاه می تواند به درستی آنرا انجام دهد.

در برخی کشورها تنها مامور رسمی دولت حق انجام تشریفات ازدواج را دارد. در سایر نقاط ، اگرچه خادمان مذهبی از جانب دولت اجازه انجام این کار را دارند ، اما زوج می تواند مراسم را در اداره ثبت نیز برگزار نماید و یا اینکه با یک قاضی در محلی که خواهان انجام مراسم و جشن هستند در شرایطی که حقیقت کتاب مقدس رعایت شود ، عروسی نمایند. اگر به هر دلیلی کشیشی برای انجام مراسم انتخاب گردد آنگاه توصیه می شود تا زوج ایماندار درخواست نمایند تا هیچ عهد مذهبی در مراسم ارائه نگردد و اعلام زن و شوهری تحت هیچ نام دیگری به جز نام حکومت بیان نشود. حال ، اجازه دهید تا توجهی روحانی در یادآوری این امر داشته باشیم که این موارد بصورت قانون نگاشته نشده اند اما برای کمک به وجدانهای نگران بیان می گردند.

## در شادی عروسی سهیم شدن

اگرچه کتاب مقدس در رابطه با مراسم ازدواج سکوت اختیار کرده است (در برخی محللهای خاص این امر مربوط به دولت می باشد) ، اما ما در رابطه با ازدواج قانای جلیل که خداوند عیسی نیز در آن حضور داشت می خوانیم ( یوحنا : ۲ : ۱ - ۱۱ ) ، و همینطور در رابطه با شام عروسی نیز در باب ۲۲ متی می بینیم که شرایط را بمانند " شام عروسی بره " نشان می دهد که صداهای فراوان خود بخود با هم می گفتند: " شادی و وجد نماییم و او را تمجید نماییم زیرا که نکاح بره رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است. " ( مکاشفه ۱۹ : ۷ - ۹ ) .

بنابراین اگر خداوند تایید گرانبهای خود و رهبری محبت آمیزش را داشته باشد ، ازدواج دو نجات یافته خود را طوری ترتیب می دهد که دیگران از مشاهده آن شاد گردند و فرصتی را برای بیان شکرگزاری و پیروی از او را فراهم می آورد. شام خود نیز بیانی از اشتراک و پیروی می باشد. اگرچه مراسم در حضور تمامی میهمانان انجام می شود، و یا اینکه در محل ثبت اداری و یا جایی دیگر در حضور تنها دو نفر شاهد انجام می شود اما این موقعیتی گرانبها برای مقدسان خداوند است و اگر اطمینان رضایت خداوند موجب این پیوند باشد ، شادی زوج خوشبخت دیگران را نیز شاد می کند. علاوه بر این ، بیش از اینکه این موقعیت تنها لذتی اجتماعی را شامل گردد ، اجازه دهید تا خود خداوند برای تایید گرانبهای خود مورد پرستش و تقدیر قرار گیرد. مثلاً داشتن برادری که کلام خداوند را می خواند ، برای بر ابراز این شادی مقدس بیش از شادی جسمانی کمک خواهد نمود و از آنچه که دنیوی است جلوگیری خواهد نمود. اگر فامیل و یا دوستانی حضور دارند که نجات نیافته اند ، فرصت مناسبی است تا خبر خوش تایید خداوند در عیسی مسیح را اعلام نماییم. برای این زوج چقدر زیبا و دلنشین خواهد بود که مراسم ازدواج آنها فرصتی برای نجات جانهای گرانبها گردد.

## ازدواج به پایان می رسد

رابطه ای که برقرار می شود موجب شادی و مزایایی ویژه می گردد ، " آن دو یک تن خواهند شد " ، و در اتحادی به هم می پیوندند که هیچ رابطه دیگری قادر به انجام آن نیست. حال نوبت آنها است تا در تجربه زندگی سهیم باشند ، و مسئولیتهایی را که در قبال پذیرش یکدیگر بر خود گرفته اند را به انجام رسانند. از این پس در تمامی تجربیات زندگی ، اجازه دهید تا بوسیله این رابطه دو طرفه و متبارک با آنها روبرو شویم. در واقع اگر خود را در آموختن از تجربیان غم و شادی ، آرامش و آشفتگی ، استراحت و کار ، اضطراب و آسودگی ، محنت و لذت قرار دهیم ، این می تواند برای ما مفید واقع گردد.

افسسیان ۵ به ما می گوید ، " ای شوهران زنان خود را محبت نمایید ." کولسیان ۳ : ۱۹ نیز اضافه می کند : " با ایشان تلخی مکنید ." عشق ، نه به خاطر معشوق ، بلکه به خاطر اشتراک با خداوند باید در طول سالهای افزایش یابد. مهربانی و مراقبت ، شکیبایی ، درک ، پاکی و توجه به برکت همسر ، باید در مرد وجود داشته باشند. اجازه دهید تا هر همسر مسیحی خود را در با چنین حالات و کیفیتی مقایسه کند و اگر که اینچنین نیست ، هیچ عذری را نیاورد بلکه از کلام خداوند اطاعت نماید.

" ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را " ( افسسیان ۵ : ۲۲ ). این فرمانی الهی است. شوهر سر زن است ، و اگر چه او در رفتار با همسر خود آزاد است، اما این اهمیت مرد را برای اتخاذ تصمیم نهایی نشان می دهد. اگر مرد بسیاری از تصمیمات مربوط به خانه را به زن واگذار کند و مطابق میل همسر در این امور رفتار کند عاقل است. و این افتخاری برای او محسوب می گردد تا بدانند با این تایید مهربانانه چگونه برخورد نماید حتی اگر این امر در مسیر آرزوهای وی نباشد.

در هر حال شوهر نه برای نیاز به اطاعت همسر بلکه برای محبت او خوانده شده است. اجازه دهید تا هر کدام تعلیمی عمیق از شخصیت خود را در قلب خود داشته باشند تا نتایج آن روحانی باشند و اتحادی زیبا بجای اختلاف عقیده ای کوچک بوجود آورند. زن نیز نه برای نیاز محبت همسر بلکه برای اطاعت از او خوانده شده است. در واقع محبتی همراه با ایمان و توجه به همسر از جانب مرد بیش از هر چیز دیگری در پیروی قلبی او از مرد موثر است. و تمکین آرام و خوش آیند وی به همسرش بهترین وسیله برای افزایش محبت مرد نسبت به زن می باشد.

همچنین این دستورالعملها برای ایماندارانی که همسرش نجات نیافته است نیز کاملاً قابل اجرا هستند. اطاعت از خداوند در این مسیر می تواند وسیله ای برای نجات دیگران گردد. " همچنین ای زنان شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند ، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد " ( اول پطروس ۳ : ۱ ). " زیرا که تو چه دانی ای زن که شوهرت را نجات خواهی داد؟ یا چه دانی ای مرد که زن خود را نجات خواهی داد؟ " ( اول قرنتیان ۷ : ۱۶ ).

براستی فیض خداوند در مواقعی که اشتباه ، نادانی و یا حتی خودخواهی روی می دهند عجیب است. زیرا که در بسیاری از ازدواجها این مسایل آشکار می گردند. بنابراین ایماندار اگر مشاهده نماید که در موضوعات کتاب مقدس گیج و گمراه گشته است نباید ناامید گردد بلکه باید با ایمانی تازه و اعتراف به خداوند برای دانستن خواسته خداوند و جستجوی شفاعت الهی عمل نماید و حتی ممکن است از میان خرابه هایی از ناامیدی، برکت عظیم خداوند را دریافت نماید. اگر خداوند ما می تواند بگوید که " ای اسرائیل هلاک شدی ، اما معاونت تو با من است " ( هوشع ۱۳ : ۹ ) ، پس مطمئناً چنین کمکی را برای یک ایماندار نیز انجام خواهد داد. در واقع ، این تایید به تنهایی برای نگهداری و حفظ ایمانداران



از میان تمامی تجربیات زندگی مشترک کافی است. متبارک است او که در سرتاسر این راه، ما را از ثمرات فیض خود برخوردار خواهد نمود.

### ازدواج به چیزهای بهتری اشاره می کند

تعهد ازدواج تماماً توسط مرگ هر کدام از زوجین به پایان می رسد. " زن مادامی که شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هر که بخواهد منکوحه شود. لیکن در خداوند فقط " ( اول قرن‌تینان ۷: ۳۹). و " زیرا که در روز قیامت، نه نکاح می کنند و نه نکاح کرده می شوند " ( متی ۲۲: ۳۰).

زیرا که ازدواجی عجیب تر روی خواهد داد، " بزم نکاح بره " ( مکاشفه ۱۹: ۹)، که شامل پیوندی از شادی ابدی می باشد که هیچ شرایطی در ازدواج نمی تواند این عشق عالی و با شکوه آن برابری نماید. اگر ازدواج این امر را به تصویر بکشد، سپس بهترین لذتها و برکتهای ازدواج قلبهای ما را برای روز پر شکوه خداوندمان زنده نگاه خواهند داشت.

بزودی شادی عمیق درونی ما را پر خواهد نمود

بزودی شادی تو بر آرامشت فایق خواهد آمد

بزودی تو را خواهیم دید - عروس پر شور تو

بزودی برای خوشی که از آن تو است به نزد تو می آییم

فراتر از تمام اینها، در خانه زوج ایماندار، اجازه دهید تا خداوندمان عیسی مسیح برجسته ترین نقطه در قلبها باشد، و امید متبارک بازگشت او مهمترین و حیاتی ترین امر برای هر فضیلت الهی باشد. بنابراین چنین ازدواجی می تواند تصویری از مسیح و کلیسا باشد، و به جهان اعلام نماید که این امر بیش از آنکه برای جهان مادی معنایی داشته باشد برای ما ایمانداران دارای معنایی زیبا و پر برکت است.